

فلسفه برده داری در اسلام

مقدمه

در میان مسلمانان عده بسیاری هستند که علت جواز برده داری در اسلام را می پرسند و عده دیگر هم جواز برده داری در اسلام را نشانه ضعف اسلام نسبت به انسانیت می دانند. حال می خواهیم در این بحث برده داری در اسلام را تشریح کنیم و قضاوت را به خودتان واگذاریم

۱- اسلام بر عکس بقیه اقوام و ملل معتقد به اسیر کردن انسان آزاد و برده کردن آنها نیست و حکم برده را فقط در مورد اسیر جنگی یعنی کسی که به ممالک اسلامی حمله کرده و به اسارت درآمده را جایز می داند

۲- اینکه اسیران جنگی را برده می دانند چند دلیل دارد

الف) اسلام به هیچ وجه اجازه کشتن اسیر جنگی را نمی دهد

ب) اسلام آزاد کردن اسیر جنگی را منطقی نمی داند چون ممکن است دوباره تجهیز شود و به ممالک اسلامی حمله کند

ج) اسلام اجازه آزار اسیر جنگی را نمی دهد و همچنین معتقد است که یک اسیر باید از حقوقی مثل خورد و خوراک و پوشاک و مکان بهره مند باشد

با تفصیل بالا در صدر اسلام فقط یک راه برای نگهداری اسیران جنگی باقی می ماند و آن این بود که آنها را بعنوان غلام و کنیز بین مسلمانان تقسیم کنند تا با حفظ حقوق بتوانند به زندگی شان ادامه بدهند.

ممکن است این سوال برای بعضی پیش بیاید که چرا اسلام با ساختن زندانها اسیران جنگی را به زندان نمی انداخت در جواب باید بگوییم که چون در صدر اسلام امکان نگه داری از تعداد زیاد اسرا در زندان و تامین خوراک و پوشاک آنها توسط حکومت وجود نداشت این کار صورت نگرفت ضمناً نگه داری اسراء جنگی در بین مسلمانان مضیتهایی داشت که نگه داری آنها در زندان نداشت برای مثال چون اسیران جنگی بین مسلمانان بودند و زیر نظر و تربیت آنها قرار داشتند امکان مسلمان شدن آنها وجود داشت

ممکن است پرسند برده داری در اسلام چه مضیتی دارد ؟ در جواب می گویم اسلام برای اسرای جنگی برنامه خاصی چیده بود که اعم از نگه داری ، تربیت ، حفظ حقوق ، و نهایتاً آزادی بعد از اینکه موضوع تربیت بردگان پایان می یافت اسلام راههای زیادی را قرار داد تا بردگان آزاد شوند و بتوانند مثل یک مسلمان آزاد به زندگی ادامه دهند . برای تسریع در این عمل در مواردی مثل کفاره ها آزادی برده را قرار داد تا مسلمانان بعد از تربیت اسراء را آزاد کنند.

سوالی که امروزه می پرسند این است که آیا برده داری در این زمان هم از نظر اسلام امکان دارد. در جواب می گویم خیر زیرا اکنون با فراهم آمدن امکانات می توان اسراء جنگی را حفظ و نگه داری کرد بنابراین خود به خود حکم برده داری در اسلام عوض می شود چون موضوعیت حکم عوض شده.

چرا برده داری در اسلام وجود داشته و نفی نشده ؟

پرسش قابل بحثی که در این خصوص مطرح می باشد این است که در اسلام برده داری نفی نشده و قوانینی در کتب فقهی وجود دارد که دلالت کننده بر امضای برده داری است و نه نفی آن از جامعه انسانی .

در پاسخ به این پرسش باید گفت که دین مقدس اسلام که در عصر جاهلیت و زمانی که سر تا سر جهان را ظلم و جنایت فرا گرفته بود ظهور کرد و برای نجات انسان از قید اسارت و نفی استثمار فرد از فرد و تحقق عدالت و دفاع از کرامت انسانی قوانین مثبت و فوق العاده جعل نموده و سرلوحه دعوت خود را آزادی انسان قرار داد .

بلکه تمام امتیاز های مادی را که سبب برتری فردی بر فرد دیگر میشد و از نظر مادیگرایان انسانی را پایینتر از انسان دیگر قرار میداد نفی نمود ، خداوند متعال با صراحت در قرآن کریم میفرماید : « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ » ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است! » .

بنا بر این امکان ندارد این دین مقدس با داشتن چنین برنامه بلند و عالی ، نظام برده داری را بپسندد و جزء مؤسسان یا حتی امضا کنندگان آن باشد .

اما اینکه اسلام مؤسس برده داری نیست برای همه حتی دشمنان اسلام هم مثل روز روشن است زیرا مسئله برده داری از صد ها سال قبل اسلام در جوامع بشری وجود داشت و تاریخ نیز خود گواه این قضیه است ، نه تنها در جزیره العرب بلکه در سر تا سر جهان هستی این مطلب گسترش پیدا کرده بود .

اما اینکه اسلام امضاء کننده این مطلب نیست باز دلیلش عدم وجود دلیل بر اثبات این قضیه میباشد ، به این معنی که ما هیچ آیه یا روایتی نداریم که دلالت کند بر اینکه باید برده داری در جهان بماند و عده ای برده و عده ای برده دار باشند .

بلکه خود گرایش بردگان در اولین روز های ظهور اسلام در جزیره العرب به این دین مقدس نشانگر حمایت این دین مقدس از بردگان میباشد و اینکه از هدفهای والای این دین آزادی انسانها از قید اسارت و بردگی بوده است وگرنه معنا ندارد بردگان بسوی دینی گرایش پیدا کنند که بقای بردگی آنها را امضاء میکند .

منتهی چون در آن عصر و زمان امکان صدور حکم دفعی برای آزادی آنان وجود نداشت ، زیرا که برده داران هرگز نمی پذیرفتند که همه بردگان خود را یکجا آزاد کنند و بلکه اگر حکم فوری آزادی بردگان صادر میشد ، مالکان برده ها هرگز اسلام را قبول نمیکردند و در این صورت امکان آزادی بردگان از قید اسارت بصورت تدریجی هم از بین میرفت دین مقدس اسلام با ایجاد برنامه ها و صدور احکامی ، امکان آزادی بردگان و از بین رفتن نظام بردگی را بصورت تدریجی فراهم نمود که این خود یکی از قدمهای مثبت و ارزنده این دین آسمانی برای نجات بردگان از قید بردگی میباشد .

ذکر این نکته نیز لازم است که دین مقدس اسلام حقوقی را نیز بر گردن برده داران وضع کرد که با وضع این حقوق برده عملاً از برده بودن بیرون آمده و جزء افراد آن خانواده بحساب می آمد .
ما برای روشن شدن موضوع به کلمات امام زین العابدین علیه السلام که در رساله حقوق بیان شده است استشهاد میکنیم .

آن بزرگوار میفرماید : « وأما حق رعبتك بملك اليمين فأنت تعلم أنه خلق ربك، ولحمك ودمك وأنك تملكه لا أنت صنعته دون الله ولا خلقت له سمعا ولا بصرا ولا أحرقت له رزقا ولكن الله كفاك ذلك. ثم سخره لك وإتمنك عليه واستودعك إياه لتحفظه فيه وتسير فيه. فتطعمه مما تأكل وتلبسه مما تلبس ولا تكلفه ما لا يطيق، فإن كرهته خرحت إلى الله منه واستبدلت به. ولم تعذب خلق الله ولا قوة إلا بالله " اما حق مملوك (کنیز و غلام) بر تو عبارت است از اینکه بدانی او مخلوق پروردگار تست (که فرقی از این جهت بین تو و او نیست) و گوشت و خون تو حساب میشود و تو (فعلا) مالک او هستی نه سازنده و خلق کننده او و نه آفریننده چشم و گوش او و نه روزی دهنده او بلکه خداوند ترا امین قرار داده و او را امانتی در نزد تو گذاشته است که حفظ و صیانت از او بعهده تو میباشد .

پس همانطوریکه خداوند با تو رفتار میکند تو با او رفتار کن ، از آنچه خودت میخوری به او بخوران و آنچه خودت میپوشی به او بپوشان و او را به آنچه که بالاتر از توان و قدرتش میباشد تکلیف نکن ، اگر از او خوشتر نمی آید آزادش کن و یا با تبدیل نمودنش خود و او را راحت کن و مخلوق خداوند را مورد آزار و اذیت قرار مده " . » .

البته با این توضیح که اسلام چون از اول یکی از آرمانها و اهداف بلندش آزادی بردگان و نفی نظام برده داری بود ، پس یکی از راه ها برای از بین بردن سیستمی که سالها بین مردم جهان و نه فقط جزیره العرب حاکم بود ، این بود که مردم بدانند برده بخاطر برده بودنش مقام پایین تری از ارباب و صاحب خود ندارد بلکه در خوراک و پوشاک و سایر امور زندگی باید مثل بقیه اعضای خانواده زندگی کند . و این مطلب که در جملات آقا امام سجاد علیه السلام کاملا مشهود است ، عملا برده را از برده بودن خارج میکرد و او را جزء اعضای فامیل قرار میداد .

وانگهی برای رهائی از قید بردگی نیز در دین مقدس اسلام راههای مختلفی بیان گردید ، مثل ثواب بیش از حد آزاد کردن برده در راه خدا و یا وجوب آزادی برده در مواردی بعنوان کفاره گناهان ، یا برقراری قرار دادی بین غلام و صاحبش برای آزادی او از قید اسارت و غیره که این راهها بتدریج سبب میشد بردگان در مدت زمانی نه طولانی بطور کامل از قید بردگی آزاد بشوند و در میان جوامع اسلامی به کار ، تلاش و حتی تحصیل بپردازند و به مراتب بالائی از شهرت و موقعیت اجتماعی نیز برسند .

بررسی عمیقتر برده داری در اسلام

شکی نیست که برده داری غلط و متداول در بین فرهنگهای ظالمانه جهان مورد تایید اسلام نبوده و نیست. آنچه در صدر اسلام وجود داشته، امری ضروری و عقلانی و تربیتی بوده که درستی اش با مقدمات زیر روشن می شود:

1- انسان موجودی است که به تنهایی قادر به ادامه حیات خود نیست و محتاج زندگی دسته جمعی است.

2 - در زندگی جمعی برای حفظ حقوق همگان نیاز به قانون کاملا روشن است.

3 - کسانی که به قانون احترام نمی گذارند و در برابر آن می ایستند و به منافع جمع لطمه می زنند، باید هدایت شوند، و اگر از کار غلط خود دست نکشند باید با آنها برخورد شود.

4 - اگر مخالفان قانون و دشمنان جامعه بر اساس خودخواهی به آشوب و فتنه و خونریزی پرداختند بر همگان لازم است که از کیان جامعه دفاع کنند، و آنها را سر جای خود بنشانند.

5 - با کسانی که در این نبرد مقدس اسیر می شوند چه باید کرد؟ اعدام؟ تبعید؟ زندان؟

6 - اسلام با اعدام و تبعید و زندان اسیران جنگی موافق نیست چون هدفش نابودسازی دشمنانش نیست، بلکه هدایت و اصلاح است. نظر اسلام آن است که اسیران در بین خانواده های مسلمان پخش

یکی از مسائل بحث برانگیز در اخلاق مسئله برده داری است. هر چند در حال حاضر انواع مرسوم برده داری محکوم شمرده می شود و برخلاف حقوق بشر است، اما در گذشته این امر معمول بوده است و حتی امری بدیهی محسوب می شد. (منظور از گذشته، کمتر از 150 سال پیش است.) در ضمن باید دانست که اغلب ادیان و در این میان ادیان ابراهیمی این مسئله را پذیرفته و حتی احکام و قوانینی بدین منظور وضع نموده اند.

در اسلام نیز که نسبت به زمان و مکانی که در آن ظاهر شد و رشد یافت دینی آلترناتیو در نظر گرفته می شود و در موارد بسیاری سنت های جاهلی را می شکند، این رسم پذیرفته شده و حتی در قرآن آیاتی در این زمینه آمده و در روایات به آن توجه شده و احکام و قواعد آن در فقه بررسی شده است. با این وجود شاید این سوال پیش آید که چرا دین اسلام این امر را جایز می داند، درحالیکه امور جاهلانه ای چون شرک، بت پرستی، شراب خواری، ربا، زنده به گور کردن دختران و غیره که جزو رسوم و اعمال عادی آن زمان محسوب می شدند و طرفداران بسیاری نیز داشتند را به شدت رد می نماید؟ در پاسخ به این مسئله آنچه معمول است این است که: "اسلام، هرچند با بردگی موافقت نداشته اما شرایط و احوالی که در گذشته حاکم بوده است اجازه نمی داده تا بردگی را به کلی لغو کند. به ویژه طرفداران بردگی در روزگاران گذشته، بسیار قدرتمند بودند و برده فروشی یکی از ارکان اقتصادی کشورها به شمار می رفت. ناگزیر اسلام، راه دیگری در پیش گرفت و مسلمانان را به آزادسازی بردگان تشویق کرد و ثوابهای فراوان برای این کار قائل شد تا به تدریج دوره ی برده داری در تاریخ بشر سر آید."

نویسنده ی کتاب "بردگی از دیدگاه اسلام" در مقدمه ی کتابش در نقد این پاسخ می نویسد: "اگر بخواهیم از سر انصاف درباره ی این پاسخ به داوری پردازیم، باید اعتراف کنیم جواب مذکور قانع کننده نیست و دردی را درمان نمی کند، بلکه این ایراد را به ذهن می آورد که مگر در روزگار گذشته شرک و بت پرستی هزاران طرفدار داشت؟ و مگر بت پرستان مکه از این نمی ترسیدند که چون خانه ی کعبه از بنتها پاک شود، مشتریان بازارشان پراکنده گردند و قبائل بت پرست از آمدن به مکه خودداری ورزند؟ پس چگونه اسلام، راه مماشات با شرک و بت پرستی را نپیمود و از قدرت مشرکان خاور و باختر نهراسید و به کسانی که از شکست اقتصادی ترس داشتند پیام داد:

"يا ايها الذين امنوا اتّما المشركون نجسٌ فلا يقربوا المسجد الحرام بعد عامهم هذا و ان خفتم عيلةً فسوف يغنيكم الله من فضله ان شاء انّ الله عليمٌ حكيمٌ (التوبة: 28).

"ای مومنان، جز این نیست که مشرکان مردمی پلیدند و از امسال به بعد، نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند و اگر خدا بخواهد شما را از فضل خود بی نیاز خواهد کرد و خدا دانا و حکیم است."

در ادامه نویسنده اینگونه نتیجه می گیرد، چنانکه اسلام کاری را بکلی باطل و نادرست می دید، آن را اساساً انکار می کرد یا در طی مراحل (مانند تحریم خمر) به نفی و رد آن می پرداخت.

به هر ترتیب آنچه بیان شد برای طرح مسئله و آشنایی با موضوع به عنوان مقدمه آورده شد. در سلسله مطالبی که در آینده خواهد شد، برای تشریح و تبیین دقیق تر، این مسئله از دیدگاه تاریخی، فقهی و اخلاقی بررسی خواهد شد. همچنین به نظرات مختلف پیرامون این موضوع اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است که این مطالب، به عنوان تحقیقی است که در باب برده داری در اسلام

از آنجا که موضوع برده داری در اسلام از جمله مسائلی است که مخالفان اسلام به ویژه مستشرقان مسیحی برای انتقاد به اسلام به آن تاسی جسته اند ، باید آگاهی داشت این امر نمی تواند از طرف ادیان و مذاهب دیگر برای انتقاد و زیر سوال بردن اسلام مطرح شود. چراکه ادیان دیگر به خصوص مسیحیت ید طولایی در این زمینه داشته اند. چنانکه در دهه‌ی 1860م. در زمان جنگ های داخلی در آمریکا، ایالت های جنوبی که در ضمن اغلب ساکنان آن مسیحیانی متعصب بودند برای حفظ سنت برده داری حاضر به جنگ و انفصال از ایالت های شمالی شدند. بر این اساس ادیان دیگر نیز مورد انتقاد قرار می گیرند. شاید از منظر کلی تر بتوان بیشتر ادیان را با توجه به پذیرش برده داری مورد انتقاد قرار داد، لیکن اینکه ادیان یکدیگر را در این زمینه متهم کنند، موجه نیست.

اما پیش از پرداختن به ابعاد تاریخی و فقهی این مسئله، لازم دیدم خوب یا بد بودن امر اخلاقی را از دید معرفت شناسانه مورد بررسی قرار دهم و از این منظر نیز برده داری را تحلیل نمایم.

سوال اساسی در فلسفه اخلاق این است که " گزاره های اخلاقی ذاتی هستند یا نسبی؟" در تاریخ فلسفه نظرات و اندیشه های متفکران و فیلسوفان به گونه است که یا به ذاتی بودن امر اخلاقی قائلند، مانند افلاطون ، یا به نسبی بودن آن قائلند، مانند پروتاگوراس چنانکه می گفت: "انسان معیار همه چیز است."

در حکمت و کلام اسلامی نیز این بحث تحت عنوان "حسن و قبح عقلی" مطرح شده است(هرچند این مبحث بیشتر در کلام مطرح شده است، ولی از آنجا که حکمت اسلامی رابطه ی تنگاتنگی با کلام دارد، به صورتیکه بسیاری آن را همان علم کلام می دانند، به آن نیز اشاره شد) ، چنانکه نویسنده کتاب آموزش کلام اسلامی از آن به عنوان یکی از مسائل کهن و بحث برانگیز کلام اسلامی که گفتگوهای فراوانی را در میان متکلمان برانگیخته است یاد می کند و در تشریح آن می نویسد: " متکلمان امامیه و معتزله از طرفداران حسن و قبح عقلی اند و بر این باورند که عقل می تواند مستقلاً و بدون نیاز به راهنمایی شرع، به نیکویی(حسن) و زشتی (قبح) برخی افعال پی برد. در مقابل، اشاعره اعتبار داوری عقل را در تحسین و تقبیح مستقل افعال انکار می کنند و به حسن و قبح شرعی اعتقاد دارند. در نظر اینان، فعل نیکو(حسن) آن است که شارع به نیکویی آن حکم کرده باشد و کار زشت (قبح) آن هست که شارع آن را زشت شمرده باشد و عقل آدمی در این وادی به تنهایی راه به جایی نمی برد. بر این اساس، با صرف نظر از امر و نهی شارع ، افعال هیچگاه متصف به حسن و قبح نمی شوند ؛ بلکه شرط لازم و کافی چنین اتصافی، تعلق امر و نهی شرعی است."(برای آگاهی بیشتر در این باب به کتاب آموزش کلام اسلامی از ص291 تا ص 299 رجوع کنید)

به هر جهت معتزله به ذاتی بودن گزاره های اخلاقی قائلند درحالیکه می توان گفت اشاعره به نسبی بودن آن باور دارند و حکم شارع را در این زمینه حجت می دانند.

اما با توجه به انتقادات جدی ای که در قرن بیستم به ویژه توسط اندیشمندان پست مدرن بر مطلق بودن نظام های معرفت شناسانه وارد دانسته شده است، آنان که به یک نظام معرفت شناسانه مطلق و جزم گرا قائلند، عرصه را بر خود تنگ می ببینند. از آنجا که تشریح و ارائه استدلال های هر یک از آنها نیاز بحث های طولانی ای دارد تفضیل در این باب را به فرصت دیگری محول می کنم و صرفاً به مثال در باب دو امر اخلاقی برای تشریح بحث قناعت می کنم. برای نمونه از منظر تاریخی، همین مسئله برده داری در زمانی امر عادی و پذیرفته شده ای بود در حالیکه طی صد سال اخیر این امر به کلی ضد اخلاقی محسوب می شود و در همه جا غیر قانونی اعلام شده است. فعل انسان تابع شرایط نیز

اکنون به طور بسیار مختصر به بیان پیشینه ای از برده داری در فرهنگ ها و مذاهب دیگر می بپردازم. از قرار معلوم در اکثر تمدن ها و ادیان رسم برده داری معمول بوده است. با این وجود ما تنها این امر را در میان تمدن های یونان، روم و ایران باستان و همچنین دو دین یهود و مسیحیت بررسی خواهیم نمود.

برده داری در یونان، روم و ایران باستان

در یونان باستان مردم بردگان فراوانی داشتند که از زندانیان جنگ، اسیران یورش های برده گیری، کودکان سر راهی، کودکان ولگرد و مجرمین فراهم آمده بودند. تاجران یونانی غلام را چون هر کالای دیگر می خریدند و هر جایی که خریداری پیدا می شد، آنان را برای فروش عرضه می داشتند. برده فروشان آن از ثروتمند ترین اتباع خارجی به شمار می رفتند. یونانیان در قوانین خود مقرر کرده بودند که اگر غلامی بدرفتاری یا خطایی کند، با تازیانه تنبیه شود و اگر مرد آزادی او را بزند نباید از خویش دفاعی کند ولی اگر ظلمی بزرگ بر او وارد شود، وی می تواند به معبدی پناه برد و آنگاه صاحبش باید او را بفروشد. فرزندان بردگان را نیز که برده محسوب می شدند در بیشتر مواقع یا می کشتند یا سر راه می گذاشتند که در آن صورت نیز برده می شدند. آزادشدگان (کسانی که زمانی برده بودند و سپس آزاد شدند) از حقوق سیاسی محروم بودند و از لحاظ اقتصادی با اتباع خارجی شریک بودند. (تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه فتح الله مجتبیایی، جلد دوم، ص 308 و 309)

افلاطون فیلسوف بزرگ یونان باستان از اینکه در حکومتی بردگان با مردم آزاد برابر باشند ابراز شگفتی و مخالفت می کند. او که به نوعی از نظام اشتراکی سخن به میان می آورد، همچنان روا نمیداند که بردگان حتی در بهره برداری از غذا با آزادگان برابر باشند. موریس لانژه در این باب می نویسد: "روحیه فیلسوف (افلاطون) اجازه نمی دهد که بردگان را از حیث مواد خوراکی با همشهریان همپراز بدانند." (بردگی، موریس لانژه، ترجمه حبیب الله فضل اللهی، ص 32)

ارسطو دیگر فیلسوف بزرگ یونانی بر آن است که بنده آلت جاندار، و آلات و اسباب بندگان بیجانند. او می گوید: "بنده در دست مولی خود همچون بدن در برابر ذهن و قوه ی تفکر است؛ همچنانکه بدن از قوای ذهنی و تفکر باید پیروی کند، بنده نیز ملزم به اطاعت از مولاست." (تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، ص 79)

در رم باستان نیز برده داری رایج بود. ویل دورانت در تاریخ تمدن می نویسد: "در حدود سال 30 قبل از میلاد تعداد غلامان در شهر رم 400 هزار نفر و تقریباً نصف جمعیت شهر و در ایتالیا به یک میلیون و 500 هزار نفر تخمین زده اند." (تاریخ تمدن، ج 1، ص 119) در رم قوانین به صورتی بود که به فرد شخص اجازه می داد تا هر یک از فرزندان را تازیانه بزند و به زنجیر بکشد و حبس کند و بفروشد یا بکشد. بدین ترتیب گاهی فرزندان خود را به بردگی می فروختند. شورش بردگان در رم به رهبری اسپارتاکوس و سرکوب بی رحمانه ی آن زیانزد است. سیسرون سخنور نامی رمی در باب ارزش بردگان گفته است: "فایده ی در حال غرق شدن است، باید قسمتی از بار آن را فدا کرد، کدام را باید دور ریخت، آیا باید یک اسب گران قیمت یا یک برده ی کم ارزش فدا شود؟" (بردگی، لانژه، ص 68)

در ایران باستان و آئین زرتشت نیز بردگی به صورت های گوناگون رواج داشت. آرتور کریستن سن مستشرق دانمادکی در کتاب ایران در زمان ساسانیان می نویسد: "ایرانیان اکثراً دست اسیران جنگی

برده داری در دین یهود و مسیحیت

«از امت هایی که به اطراف تو می باشند، از ایشان غلامان و کنیزان بخرید و هم از پسران مهمانانی که نزد شما مأوی گزینند و از قبیله های ایشان که نزد شما باشند که ایشان را در زمین شما تولید کردند بخرید و مملوک شما خواهند بود و ایشان را بعد از خود برای پسران خود واگذارید تا ملک موروثی باشند و ایشان را تا به ابد مملوک سازید.» (تورات، سفر لاویان، باب 25، شماره ی 45 و 46)

نویسنده کتاب بردگی از دیدگاه اسلام بر آن است که از این دستور تورات به روشنی فهمیده می شود که یهودیان می توانستند دختران و پسران را برای کنیزی و غلامی از اولیاء ایشان خریداری کنند. آنها همچنین اجازه داشتند تا مجرمین را نیز بردگی بگیرند، چنانکه در تورات آمده است: «اگر دزدی، در رخه کردن گرفته شود و او را بزنند به طوری که بمیرد، باز خواست خون برای او نباشد ... و اگر چیزی ندارد، به عوض دزدی که کرد، فروخته شود.» (تورا، سفر خروج، باب 22، شماره ی 2 و 3)

در جای دیگری در تورات اشاره می شود: «اگر برادرت نزد تو فقیر شده خود را به تو بفروشد، بر او مثل غلام خدمت مگذار مثل مزدور و مهمان نزد تو باشد و تا سال بوییل نزد تو خدمت نماید.» (تورات، سفر لاویان، باب 25، شماره ی 39) درباره ی رفتار با بردگان در تورات آمده است: «اگر کسی غلام یا کنیز خود را به عصا بزند و او زیردست وی بمیرد، هر آینه انتقام او گرفته شود. لیکن اگر یک دو روز زنده بماند، از او انتقام کشیده نشود، زیرا زرخرید اوست.» (تورات، سفر خروج، باب 21، شماره ی 20 و 21)

در انجیل نیز قوانین تورات در باب برده داری تصدیق شده است. پولس قدیس در نامه خود به افسسیان گفته است: «ای غلامان، آقایان بشری خود را چون مسیح، با ترس و لرز و با ساده دلی، اطاعت کنید.» موریس لانژه در ارتباط با نظر سن آگوستین در باب برده داری که آن را نوعی کیفر الهی دانسته می نویسد: «بردگی بوسیله ی سن آگوستین، تنبیهی شناخته شده که از طرف عدالت برای گناه مقصر در پیشگاه خداوندی تحمیل گردیده است.»

همچنین توماس آکویناس (Thomas Aquinas) از فلاسفه ی بزرگ مسیحی در باب بردگی و قوانین آن بیان کرده است: «در روابط برده و ارباب، احتیاجی به قانون خاصی از برای ارباب یا پدر خانواده نیست زیرا برده، مال خصوصی یک شخص یا خانواده است و قانون، راجع به نفع عمومی شهر یا امپراطوری است.»

بدین ترتیب مشاهده می شود برده داری در این تمدن ها و ادیان نیز سابقه داشته است. اما همانطور که این ادیان نمی توانند در باب برده داری از یکدیگر انتقاد کنند، همچنین نمی توانند با بررسی و مقایسه قوانین و شرایط برده داری در ادیان مختلف حقانیت دین خود را ثابت کنند. چراکه موضوع اصلی، نفس مسئله برده داری است نه قوانین و چگونگی رفتار با بردگان. بر این اساس استدلال برخی از دینداران در دفاع از دین خود به این روش نمی تواند موجه باشد.

منابع و مأخذ :

1. تفسیر المیزان جلد 11
2. نور ملکوت قرآن، ج 3
3. بردگی از دیدگاه اسلام (مجموعه مقالات بلند از دانشنامه جهان اسلام)، مصطفی حسینی، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، 1372
4. ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی
5. تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب
6. بردگی، موریس لانژه، ترجمه حبیب الله فضل اللهی
7. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ترجمه فتح الله مجتبیایی، جلد دوم